

نظریه ولایت فقیه

نظریه ولایت فقیه (اصط.رجا) نظریه ایست در حوزه فقه، کلام، سیاست و جامعه‌شناسی اسلامی (و دیگر معارف اسلامی) و در محدودترین شکلش، به «نفوذ امر و نهی فقیه جامع الشرایط در حوزه محکومات اسلام و مصالح مسلمین بر دولت و رفتار سیاسی آن» اشاره دارد. «ولایت» در اینجا، به معنای نفوذ شرعی و الهی عالم دین در محکومات اسلام و مصالح مسلمانان بر کنش‌های سیاسی دولت است (غایت و حکمت آن، حراست دولت از خروج از چهارچوب محکومات اسلام و مصالح عامه مردم است) ولی فقیه جامع الشرایط، در زمان غیبت، اختیارات یک حاکم را دارد و بر مسلمانان واجب است با تشکیل یک حکومت اسلامی از طرق مدنی و تدوین قوانین مناسب، کاری کنند که فقیه عادل واجد شرایط بتواند منزلتی یابد تا نفوذ شرعیش محقق شده و قادر شود حکومت را در چهارچوب احکام الهی نگه دارد (غرض حراست حکومت است چه با تصدی فرد یا شورا یا آنچه در هر زمان مقدور است) مراد از ولایت مطلقه، اختیارات خاص و مشخص ولی فقیه است نه اطلاقی که فقط پیرو عصمت امام معصوم علیه السلام حاصل می‌شود.

باید مقبولیت حاکمیت اسلامی، توسط مردم، تأیید و منجز شود، چرا که نظریه ولایت فقه و فقیه یا شخص و یا شورای آن، شرعاً نمی‌تواند خود را به زور و اجبار بر سیستم یا مردم حاکم کند (رأی مردم، در قالب رأی به قانون اساسی یا همه‌پرسی برای «تنجّز مشروعیت» او ضروری است. مشروعیت حکومت اسلامی، از پیش وجود دارد، اما همین مشروعیت باید با مقبولیت، منجز شود و الاً شرعاً و عملاً حق حاکمیت اجباری ندارد)

تحقق ولایت فقیه می‌تواند در اشکال و سازوکارهای مختلفی تعریف شود و در طول زمان می‌تواند تغییر شکل دهد: مهم غایت آن است که باید محقق شود و در هر حال چه یک فقیه و چه یک شورای علمی فقهی، وظیفه نظارت بر چهارچوب‌های کنش سیاسی را به عهده بگیرد، باید بقاء شرایط آن (کفایت علمی، تقوا و...) و تصمیمات مهم او، به عکس امام معصوم، توسط یک مجموعه خبرگانی، تحت نظارت دقیق باشد. چون اولاً امر او خطیر و مهم است و ثانیاً به جهت معصوم نبودنش، احتمال زوال شرایط و خطاهای راهبردی کلان در کار او وجود دارد.

نخبگان، مردم و خود نهاد ولایت و زعامت، باید به‌طور مستمرّ مراقب باشند که در طول زمان، انواع استبداد در سیستم حکومت اسلامی بوجود نیاید. همچنین ساختارهای حکومت را به‌طوری روزآمد کنند که کارایی این نهاد، پایه‌پای اقتضائات زمان، روزآمد و بهینه شود. جامعه اسلامی با ولایت فقیه به سطح امت اسلامی ارتقاء می‌یابد.

(**اصل ولایت فقیه**، اصلی است در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر نظریه ولایت فقیه، پایه‌ریزی شده است. دایره اختیارات ولی فقیه حاکم بر اساس قانون اساسی، در همان چهارچوب قانون اساسی است و البته در همانجا ولی فقیه اختیارات گسترده‌ای دارد که نسبت به قوانین دیگر واجد اختیاری فراتر از قوانین عادی پیدا میکند (لذا اختیارات هم در چهارچوب قانون اساسی است و هم مطابق اختیارات قانونی، فائق بر برخی قوانین) مراد از ولایت مطلقه، اختیارات

خاص و مشخص ولی فقیه است)